

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

بررسی حس آمیزی حسی - حسی در غزلیات سعدی بر اساس چگونگی تلفیق و بسامد حواس

۱- سلیمه دارائی ۲- نرگس کشاورزی

۱- استاد گروه زبان و ادبیات دانشگاه فرهنگیان مازندران، دانشگاه فرهنگیان تهران، ایران

۲- دکتری ادبیات فارسی-غنائی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان

Email: Fatemee.daraee.55@gmail.com

Email :NargesK50@yahoo.com

چکیده:

حس آمیزی پدیده‌ای ادراکی براساس تحریک یکی از حواس و بیداری حواس دیگر است. پژوهش حاضر، بررسی حس آمیزی در غزل سعدی، بر اساس چارچوب نظری شفیع کدکنی [۱۵]، به منظور شناخت کامل‌تری از اشعار وی است. در آن به چگونگی تلفیق حواس، بررسی حس آمیزی حسی- حسی، دسته بندی آن به ترکیبی و غیر ترکیبی و کاربردش در دویست غزل پرداخته شد. نتیجه نشان می‌دهد وی در ارائه احساسات عاشقانه‌اش به حس آمیزی ترکیبی و حواس چشایی توجه بیشتری دارد و استفاده فراوان از حس آمیزی و کاربرد حواس شناخته شده پنچگانه، می‌تواند کلید شناخت زبان سهل و ممتنع سعدی باشد.

کلید واژه: سعدی، غزل، حس آمیزی حسی-حسی، تلفیق حواس، بسامد حواس

مقدمه:

یکی از راه‌های شناخت شاعران، بررسی آثار آنها است. در این که شاعری از میان آرایه‌های لفظی و معنوی، به نوع خاصی توجه دارد، نکته‌ای وجود دارد که بی‌ارتباط با طرز تفکر و باورها و شخصیت و مسائل اجتماعی روزگار او نیست. سعدی هم از جمله شاعرانی است که استعاره‌های بسیار ساده و زبان سهل و ممتنع او باعث شده تا با سایر شاعران تفاوت‌های بسیاری داشته باشد. این شیوه را در آثار خود به خصوص غزلیات بیشتر به کار برده است. زبان او شیوا و ساده است. این همان ویژگی است که اشعارش در عین سادگی، زیبا و غیر قابل تقلید می‌کند. هنرنمایی او در به کار بردن این حواس، یکی دیگر از ویژگی‌های شعر او محسوب می‌شود.

پژوهش حاضر در بررسی حس آمیزی از منظر چگونگی تلفیق حواس و بسامد کارگیری حواس گوناگون در دویست غزل (دیوان غزلیات) به کوشش خطیب رهبر (۱۳۷۲) است. نویسنده در تلاش بوده تا مبانی مربوط به حس آمیزی را به طور مجمل بیان کند و کارکرد این آرایه را در اشعار سعدی نشان دهد و به این سوالات پاسخ دهد که:

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

- ۱- حس آمیزی در غزلیات سعدی چه جایگاهی دارد؟
 - ۲- سعدی کدام نوع حس آمیزی ترکیبی یا غیر ترکیبی را بیشتر استفاده کرده است؟
 - ۳- کدام نوع حواس، بیشترین و کمترین بسامد را در شعر او دارد؟
- از حس آمیزی در کتب بلاغی دوره‌های گذشته به طور مستقل و به عنوان آرایه‌ای جهت کلام‌آرایی، نام برده نشده است؛ اما نمونه‌هایی از این آرایه‌ها را به طور پراکنده در آثار منظوم سبک خراسانی و عراقی و به خصوص در سبک هندی می‌توان یافت. از این نمونه‌ها می‌توان به تعبیر (شیرین سخن) از فردوسی [۱۹] در بیت زیر اشاره کرد.
- میان سپهدار و آن سرو بن زنی بود گوینده شیرین سخن (همان: ۱۲۳)
- و یا از مسعود سعد (۱۳۶۴) تعبیر (چهره شیرین) در بیت زیر نام برد:
- با چهره پرچینم و با قامت کوژم وان چهره شیرین تو و قامت زیبا (همان: ۵۱)
- با توجه به این نمونه‌ها و شواهد می‌توان دریافت که حس آمیزی در شعر شاعران گذشته سابقه داشته؛ اگر چه ممکن است مانند تشبیه و استعاره و یا هر آرایه شناخته شده دیگری، عنوان مشخص و خاصی نداشته باشد.

تئوری و پیشینه:

مسئله‌ی حس آمیزی در ادبیات کشور ما نو پا و تازه است. با این حال مقالات و مباحثی در مورد آن در مجلات و کتاب‌های ادبی چاپ شده است. برای اولین بار شفیع کدکنی [۱۵] در کتاب (صور خیال در شعر فارسی) این اصطلاح را به کار برد. در تعریف آن می‌گوید: «حس آمیزی از آمیختن دو حس با یکدیگر ایجاد می‌شود» (همان: ۲۷۴) و صادقیان [۱۷] در کتاب (زیور سخن در بدیع فارسی) می‌نویسد: «بدین سان است که معنا یا صفتی که مربوط به حس خاصی است، به چیزی نسبت دهند که آن چیز در زبان عادی و معمول آن صفت را نمی‌پذیرد» (همان: ۱۷۶). فشارکی [۲۰] در کتاب (نقد بدیع) در تعریف از حس آمیزی آورده: «حس آمیزی آن است که در شعری از دو حس به هم آمیخته استفاده شود» (همان: ۹۸)؛ هم چنین مقالاتی در زمینه حس آمیزی نوشته شده از آن جمله، الهامی [۲] در مقاله‌ای با عنوان (بررسی حس آمیزی در غزلیات بیدل دهلوی) و مقاله‌ای دیگر از کریمی [۲۱] با عنوان (حواس پنج‌گانه و حس آمیزی در شعر) است. مقاله‌ای از بهنام [۴] با عنوان (حس آمیزی، سرشت و ماهیت) وجود دارد. در زمینه آثار و افکار سعدی در غزل‌هایش پژوهش‌های متعددی انجام شد؛ از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

جبری [۸] مقاله‌ای با عنوان (تصویرگری بی‌صورت خیال در شعر سعدی) دارد. ترکاشوند [۷] در مقاله (عیار صفت سهل ممتنع در شعر سعدی و متنبی) از ساختارگرایی تا هرمنوتیک فلسفی) به بررسی ویژگی سهل و ممتنع در شعر آنها پرداخت؛ اما پژوهشی در زمینه حس آمیزی در غزلیات سعدی صورت نگرفته است. از آنجایی که یکی از دلایل سهل و ممتنع بودن زبان سعدی کاربرد استادانه صور خیالی چون حس آمیزی است، لذا در این پژوهش سعی شده تا جایگاه این آرایه را در غزلیاتش بررسی شود.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

روش پژوهش:

این مقاله به روش تحلیل محتوا و گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است. ابتدا تعاریفی از حس آمیزی بیان شد. سپس، حس آمیزی‌های استخراج شده در دویست غزل سعدی دسته‌بندی شدند. این دسته‌بندی بر اساس چگونگی تلفیق و ترکیب حواس‌ها بوده است. مشخص شده که هر ترکیب حسی - حسی مربوط به کدام یک از انواع حس آمیزی ترکیبی (وصفی یا اضافی) و غیر ترکیبی است؛ هم چنین بررسی شد که شاعر از کدام حس بیشترین و یا کمترین بهره را برده است.

متغیر:

اصطلاح حس آمیزی را اولین بار شفیع کدکنی [۱۵] پیشنهاد کرد. ایشان با مطالعات دقیق در این زمینه نگاه و دیدگاه جدیدی به محققان داد تا به بررسی این آرایه در آثار منظوم و منثور ادب فارسی پردازند. وی صور خیال را یکی از وجوه برجسته ادای معانی می‌داند. در تعریف حس آمیزی بیان می‌کند: «کاری است که نیروی تخیل در جهت توسعه لغات و تعبیرات مربوط به یک حس انجام می‌دهد. یا تعبیرات و لغات مربوط به یک حس را به حس دیگر انتقال می‌دهد» (همان: ۲۷۱)؛ هم چنین در تعریف حس آمیزی می‌افزاید: «توسعاتی که در زبان از رهگذر آمیختن دو حس به یکدیگر ایجاد می‌شود» و «این آمیختگی قلمروهای حسی با یکدیگر که منحصر در حواس خمس ظاهر نیست بلکه حواس باطن را نیز شامل می‌شود» (همان: ۱۵-۱۷). به اعتقاد فشارکی [۲۰]: حس آمیزی با دو مفهوم قابل تفسیر است. ۱- ترکیب دو حس مختلف ۲- صفات محسوس را برای امری معقول آوردن. (همان: ۹۸-۱۰۰)؛ بر این اساس می‌توان حس آمیزی را دارای دو بخش حسی - انتزاعی و حسی - دانست. در کتاب‌های مربوط به علم بلاغت و فرهنگ‌نامه‌ها تعاریف متعددی از حس آمیزی آمده است. (فرهنگ اصطلاحات ادبی) [۱۲] در تعریف حس آمیزی می‌گوید: «در لغت در آمیختن حواس و در اصطلاح قسمی مجاز است که از رهگذر آمیختن دو حس با یکدیگر ایجاد می‌شود. دیدن رنگ یا اندازه یا هیئت ظاهری هر چیز، کار حقیقی حس بینایی است؛ اما دیدن عطر یا شنیدن رنگ، آواز روشن و جیغ بنفش کاربردی است مجازی از حواس بینایی و شنوایی برای ادراک پدیده‌هایی که در حوزه آن حواس واقع نیستند» (همان: ۱۹۸).

حس آمیزی در دوره‌های مختلف در ادبیات غرب هم بوده و در زبان انگلیسی به آن «استحاله حواس^۱» و «قیاس حسی^۲» می‌گویند. در شعر رمبو شاعر سمبولیست فرانسوی نیز دیده می‌شود (همان: ۱۹۸). در فرهنگ آکسفورد [۲۱] در تعریف حس آمیزی آمده: «گونه‌ای از به کارگیری استعاره است که در آن اصطلاحات مربوط به یک نوع تأثر حسی برای تعریف انواع دیگر آن به کار می‌رود».

حس آمیزی در حقیقت نسبت دادن عملکرد یک حس به حس دیگر است. ما انسان‌ها دارای پنج حس هستیم و هر کدام از این حواس ظاهری (بینایی، شنوایی، چشایی، بساوائی یا لامسه و بویایی) لغات و اصطلاحات خاص خود را دارند و اگر این لغات

1. sense transference

2. sense analogy

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

با حسی همراه شود که در حوزه عملکردش نباشد، حس آمیزی مطرح می شود؛ مثلاً بوی عطر را استشمام می کنیم، غذای لذیذ را می چشیم؛ اما اگر با استفاده از تخیل، هر یک از این افعال را برای حواس غیر مرتبط به کار ببریم، عملی غیر معمول انجام داده و آرایه حس آمیزی را به وجود آوردیم. وقتی می گوئیم (عطر تلخ) و یا (حدیث تلخ) تلخ را که مربوط به حس چشایی است با عطر که به حس بویایی مربوط است و یا حدیث که با حس شنوایی همراه است، به کار بردیم و این دو حس در کنار هم، ترکیبی زیبا به وجود آورده که بر خلاف طبیعت حواس است. بنابراین شاعر به شیوه هنری از آفرینش حس ها، تصویری نو آفریده است که برای خواننده پذیرفتنی و جالب است.

ساخت های حس آمیزی فقط از طریق حواس ظاهر و ترکیب آنها نیست. گاهی شاعر از طریق تلفیق یک امر عینی و یک حس ظاهری با یک امر انتزاعی و مجرد و عقلی، یک ترکیب حس آمیزی به وجود می آورد که به آن حس آمیزی انتزاعی می گویند. (۳) مانند وقتی که می گوئیم: (سوز عشق) و یا (بوی وصال) از این آرایه استفاده می کنیم؛ زیرا که سوز مربوط به حس لامسه و بو مربوط به حس بویایی است که با یک امر انتزاعی چون عشق و وصال به کار رفته و ترکیبی جدید ساخته است و تصویری زیبا از درد عشق و شادی وصال ایجاد می کند. البته بار حسی این تصاویر نسبت بار عاطفی و احساسی آن تاثیرگذارتر خواهد بود (همان: ۱۰۱).

در علم بلاغت در مورد ماهیت حس آمیزی اختلاف نظر وجود دارد. شفیی کدکنی [۱۵] حس آمیزی را هم زیر مجموعه استعاره می داند که برای انتقال صفات و افعال به صورت هنری است. (همان: ۲۷۴) و هم در زمره مجاز به حساب آورده است. (همان: ۱۵). البته این دو نظر در ضدیت هم نیستند. چرا که «اصل حس آمیزی از استعاره و اساس استعاره هم از مجاز است» [۳]. شمیسا [۱۶] نیز در مبحث بیان، استعاره را مهم ترین نوع مجاز می داند و در توضیح آن می گوید: «در بیان فقط ابزار تصویرساز و مخیل مطرح نظر است و از میان انواع مختلف مجاز فقط استعاره است که به اصطلاح Imagery یعنی تصویرساز و مصور و مخیل است» [۱۴]. پورنامداریان [۶] حس آمیزی را نوعی تشبیه می داند: «اگر پیوند و شباهت بین دو شیء در شمار محسوسات باشد و هر کدام نیز به حوزه حسی متفاوت از هم مربوط باشند، نوعی تشبیه بر پایه حس آمیزی شکل گرفته است» [۵]. وقتی می گوئیم: (آوازش را چون حریر نرم بر خود پیچید) آواز که شنیدنی است به حریری نرم که مربوط به حس لامسه است، تشبیه کرده ایم. گروهی حس آمیزی را در زمره تضاد دانسته و در توضیح آن می گویند: «نوعی تضاد وجود دارد که از آمیختن دو یا چند حس در کلام به وجود می آید. این گونه تضاد را حس آمیزی می گویند» [۸] این آرایه در کارکردهای کنایی و ایهام و پارادکس نیز به کار رفته است. در ترکیب کنایی (نگاه سرد) نگاه از مقوله حس بینایی و سرد به حس لامسه مربوط می شود و ایهام (لب شیرین) در مصرعی از سعدی (چو خسرو از لب شیرین نمی برد مقصود) [۱۰] که شاعر برای حس آمیزی و زیباتر شدن مفهوم، از آرایه ایهام نیز بهره برده است. در ترکیب متناقض نمای (طنز شیرین) طنز، سخنی است تلخ و گزنده و با شیرین در تناقض است. دو حس شنوایی و چشایی در هم می آمیزد و حس آمیزی از نوع پارادکس را به وجود می آورد.

همان طور که بیان شد، حس آمیزی را به دو نوع حسی - حسی و حسی - انتزاعی دسته بندی کرده اند [۲۰] و چنین توضیح می دهند که: حس آمیزی با دو مفهوم قابل تفسیر است. ۱- ترکیب دو حس مختلف ۲- صفات محسوس را برای امری معقول آوردن. (همان: ۱۰۰-۹۸) بر این اساس می توان گفت: حواس از لحاظ طرفین به دو دسته کلی تقسیم می شوند: «حسی - حسی» و «حسی - انتزاعی»؛ اگر هر دو طرف تصویر آفریده شده توسط حواس پنجگانه قابل درک باشد، حس آمیزی حسی به حسی به وجود می آید. وقتی می گوئیم: (ترش رو) هر دو طرف تصویر حاصل، محسوس است. شاعران گذشته که تصویر آفرینی و حس آمیزی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

آنها ابتدایی بوده، بیشتر از حواس ظاهری و حس آمیزی حسی به حسی استفاده می کردند؛ زیرا بیشتر به طبیعت و جلوه‌های آن نظر داشتند. در بیت:

سپهبد پرستنده را گفت گرم سخن‌های شیرین به آوای نرم [۱۹]

فردوسی [۱۹] از تعبیری چون (گرم گفتم)، (سخن شیرین) و (آوای نرم) استفاده کرده است. در بیت زیر، خاقانی [۱۱] ترکیب (آب مصفا شنوند) به کار برده است که این حس آمیزی از ترکیب دو حس بینایی و شنوایی ساخته شده است.

روضه روضه همه ره باغ منور بینند برکه برکه همه جا آب مصفا شنوند(همان: ۱۰۱)

کم کم با پیشرفت و تعالی شعر در دوره‌های بعد و ورود عرفان به شعر در سبک‌های عراقی و یا سبک هندی و شعر معاصر به تدریج مسائل باطنی وارد شعر شد و بلاغت از حوزه حسی به حوزه مسائل انتزاعی راه یافت و تصاویر تولید شده بیشتر از گذشته حسی- انتزاعی شد. شاعران با مدد تخیل، امور ذهنی خود را دیداری و قابل لمس می‌کنند و آن را در معرض تماشا قرار می‌دهند و از ترکیب واژه‌های حسی و ذهنی به هدف خود دست می‌یابند. «این امور ذهنی در کارگاه خیال شاعران به تصویب‌های هنری و دیداری تبدیل می‌شوند و خواننده شعر نیز با دریافت این تصاویرهای شاعرانه در التذاذ هنری آن شریک می‌شود» [۱۰]. وقتی حافظ [۹] می‌گوید:

بوی بهبود ز اوضاع جهان می‌شنوم شادی آورد گل و باد صبا شاد آمد(همان: ۱۳۴)

در ترکیب (بوی بهبود)، شاعر حس بویایی را با یک امر انتزاعی به کار برد و ترکیب حسی - انتزاعی به وجود آورد. بیدل [۵] در بیت:

بوی یأس از چمن جلوه‌ی امکان پیداست دیگر ای بیدل غافل چه امید است اینجا(همان: ۹۰۳)

مفهوم ذهنی یأس و ناامیدی را با بو که امری است حسی تلفیق کرده و در این راستا یک تصویر خیالی آفرید؛ به گونه‌ای استادانه کار کرد که تصویر استشمام بوی ناامیدی و یأس برای خواننده پذیرفتنی و حتی دل‌نشین هم می‌شود و به یک مسئله ذهنی یک جنبه حسی و محسوس بخشیده است که مورد تأیید است. بنابراین می‌توان انواع حس آمیزی از لحاظ طرفین را این گونه بیان کرد: «حسی - حسی و حسی - انتزاعی».

چگونگی ترکیب حواس (ترکیب ۲۰ گانه):

حس آمیزی از ترکیب و آمیزش حداقل دو حس به وجود می‌آید. در این صورت یکی از حواس در نقطه مرکزی و اصلی واقع می‌شود و چهار حس دیگر تحت شعاع آن نقطه مرکزی یا پایه قرار می‌گیرند. این گونه می‌توان ۲۰ حالت را برای ترکیب حواس متصور شد. باید یادآور شد که یک شاعر لزوماً همه این حالت‌های ۲۰ گانه را به کار نمی‌برد. ممکن است فقط دو یا سه حالت را به کار ببرد. شایع‌ترین آنها انگیزش رنگ به وسیله صدا یا شنوایی رنگین است. این که چه کیفیتی از یک حس خاص به کیفیتی از حس دیگر تبدیل شود، از یکنواختی و نظم دقیق پیروی نمی‌کند. [۲۳]. چون ترکیب آوازهای آبی از نصر الله مردانی [۲۲]:

آوازهای آبی مرغان موج بود در ساحل حیات سرود هلاکی ام [همان: ۳۷۶]

در این بیت شاعر به زیبایی آواز را به رنگ آبی ترسیم می‌کند. یعنی همان شنوایی رنگین که به خوبی به تصویر می‌کشد. توجه انسانها به بعضی از حواس خاص باعث آمیختگی حواس می‌شود. افراد به بعضی از حواس نسبت به حواس دیگر گرایش بیشتری دارند. این مسئله ممکن است ناشی از برخی ویژگی‌های شخصیتی، روانی، محیطی، اجتماعی، عاطفی و... باشد [۴]

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

با این حال به نظر می‌رسد که در بیشتر موارد توجه به حس بینایی نسبت به سایر حواس بسامد بیشتری دارد. دلیلش آن است که فعال‌ترین حس انسان، حس بینایی اوست که در فعالیتهای مربوط به حواس بیشترین سهم را دارد [۱۵]. ساختار دستوری حس آمیزی:

حس آمیزی از نظر دستوری به دو صورت (ترکیبی و غیر ترکیبی) در شعر دیده می‌شود. حس آمیزی ترکیبی خود به دو صورت ترکیب وصفی و اضافی است.

در ترکیب وصفی دو حس متفاوت در کنار هم قرار می‌گیرند؛ مانند ترکیب وصفی (صدای گرم) که حاصل دو حس (شنوایی و لامسه) است. در ترکیب به شکل اضافی دو کلمه از متعلقات حواس به صورت مضاف و مضاف‌الیه در کنار هم قرار می‌گیرند و در این حالت نیز ویژگی مضاف و مضاف‌الیه از دو حس متفاوت است. به طور مثال در ترکیب اضافی (بوی شعر) دو سوی ترکیب، حواس (بویایی و شنوایی) قرار گرفته است.

یکی دیگر از حس آمیزی از منظر دستوری که در ادبیات به وفور دیده می‌شود، حس آمیزی غیر ترکیبی است. در آن از فعل در ساختار ترکیب استفاده می‌کنند. در جمله (این چنین بازار گرمی می‌کند) گرم بودن بازار کنایه از رونق داشتن بازار است. این حس آمیزی از متعلقات دو حس (بینایی و لامسه) به صورت غیر ترکیب ساخته شده است.

توجه به حواس یکی از مسائلی است که در اشعار سعدی به چشم می‌خورد. می‌توان گفت که علاقه و هنرنمایی او در به کار بردن این حواس یکی دیگر از ویژگی‌های شعر او محسوب می‌شود. نگارنده قصد دارد به بررسی حس آمیزی در غزل سعدی، پرداخته و آنها را مورد تحلیل قرار دهد و ترکیب‌های حس آمیزی را به صورت ارقام ارثه داده و البته ادعایی در کامل و بی‌نقص بودن این داده‌ها ندارد؛ اما سعی شده است تا آمار ارائه شده دقیق باشد.

تحلیل داده‌های پژوهش

بررسی حس آمیزی در غزلیات سعدی:

سعدی بزرگترین غزل‌سرا در زمینه اشعار عاشقانه است که زیبایی تصاویر شعری او بر همگان واضح و روشن است. او در آفرینش این تصاویر از شگردهای هنری متعددی بهره برده است؛ از آن جمله می‌توان به حس آمیزی اشاره کرد که به حق در ارائه این هنر مانند سایر آرایه‌ها، استادانه عمل کرده است. «آنچه که بیش از هر چیزی باعث جلب توجه شعر سعدی می‌شود، مهارت او در ورزیدن الفاظ، صفات، صمیمیت و ذوق سلیم است. که زبان او را سهل و ممتنع کرده است» [۱۴].

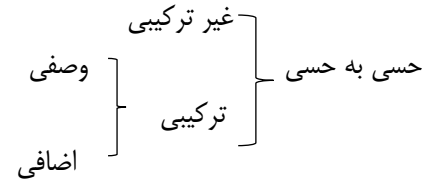
توجه به حواس یکی از مسائلی است که در اشعار سعدی به چشم می‌خورد. او شاعری شیرین بیان است که خواننده را مجذوب خود می‌کند. «سعدی بی‌خلاف، شیرین‌سخن‌ترین شاعر فارسی و در همه قولها فصیح‌ترین گویندگان زبان فارسی است» [۱]. تصویر از ویژگی‌های غزل سعدی است و یکی از راههای تصویرسازی او حس آمیزی است که در ادامه آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

حس آمیزی بر مبنای حسی - حسی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

این نوع حس آمیزی در غزلیات سعدی شامل دو دسته کلی غیر ترکیب و ترکیبی است که نوع ترکیبی آن، خود به ترکیب اضافی و وصفی تقسیم می‌شوند.



۱-۱- غیر ترکیبی:

برای ساخت این نوع حس آمیزی از فعل در ساختار ترکیب استفاده می‌کنند. این نوع از حس آمیزی در اشعار سعدی به ترتیب فراوانی به صورت زیر می‌باشد.

۱-۱-۱- چشایی - شنوایی:

از عناصر مربوط به چشایی چون: شیرین، نوشیدن، چاشنی و عناصر مربوط به شنوایی چون: نوا، صدا، ترانه و ... است. این دسته از حس آمیزی غیر ترکیبی، در غزل سعدی کاربرد بیشتری داشته است.

او سخن می‌گوید و دل می‌برد / او نمک می‌ریزد و مردم کباب [۱۳] (همان: ۴۴)

از سخنش نمک ریختن (نمک سخن) حس آمیزی است که از ترکیب دو حس (چشایی و شنوایی) ساخته شده است و شاعر در ساخت این حس آمیزی از تشبیه نیز استفاده کرده است.

عبارت غیر ترکیبی (سخن گفتن شیرین) و (شیرینی سخن) که از ترکیب دو حس شنوایی و چشایی ساخته شده ۶ دفعه در اشعار سعدی به کار رفته است. (سخن گفتن شیرین)

جای خند(ه) است سخن گفتن شیرین پیشت / کاب شیرین چو بخندی برود از شکرست (همان: ۵۵)

همچنین این نوع ترکیبها را در صفحات (۱۸-۵۹-۲۱۸-۲۲۴) نیز می‌توان دید.

در موارد زیر، با استفاده از آرایه تلمیح، از جواب و صحبت شیرین، شه بانوی قصه نظامی، نیز حس آمیزی آفرید.

خسرو آنست که در صحبت او شیرین است / در بهشت است که همخوابه حور العین ست (همان: ۱۹۳)

معلوم شد این حدیث شیرین / کز منطق آن شکرفشان ست (همان: ۱۲۵)

من خود از عشق لبتم فهم سخن می‌کنم / هرچ از آن تلخ‌ترم، گر تو بگویی، شکرست (همان: ۱۰۴)

۱-۱-۲- چشایی - بینایی:

این حس آمیزی از درآمیختن مفاهیم مربوط به چشایی چون مزه، طعم، تلخی، لذت و مفاهیم مربوط به بینایی چون نور، دیدن، زیبا و ... است.

در بیت زیر شاعر نظر یار را چنان تاثیرگذار و نمکین می‌داند که او را می‌کشد و نمک بر زخم دلش می‌ریزد و غمش را افزون می‌سازد. شاعر برای بیان نگاه نافذ یار از دو کلمه (نظر) که مربوط به حس بینایی و (نمک) که مربوط به حس چشایی است، بهره برده است.

این چه نظر بود که خونم بریخت / وین چه نمک بود که ریشم بخت (همان: ۶۰)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

ای لعبت خندان لب لعلت که مزیدست وین باغ لطافت به رویت که گزیدست (همان: ۹۶)

چشیدن لب و گزیدن روی دو ترکیب حس آمیزی از نوع چشایی - بینایی است.

شیرین تر از این لب نشنیدم که سخن گفت تو خود شکری یا عسلست آب دهان (همان: ۲۱۸)

در عبارت (شیرین تر از این لب) شیرینی که مربوط به حس چشایی است را به لب که با حس بینایی دیده می شود، نسبت می دهد و آب دهان را به شیرینی عسل تشبیه کرده است.

همچو مستسقی بر چشمه نوشین زلال سیر نتوان شد از دیدن مهر افزایت (همان: ۲۲۷)

(سیر از دیدن) نشدن حسی است که عاشق از روی معشوق دارد و شاعر برای بیان این احساس، از دو حس چشایی و بینایی استفاده می کند؛ هم چنین در این بیت و در ارتباط با این ترکیب آرایه مراعات و تشبیه و کنایه به کار رفته است.

چو فرهاد از جهان بیرون به تلخی می رود سعدی ولیکن شور شیرینش بماند تا جهان باشد (همان: ۲۸۸)

(به تلخی رفتن) حس آمیزی است که با تلخی از مصادیق حس چشایی و رفتن از مصادیق حس بینایی، در بیان کنایی (مردن از عشق بی سرانجام) آمده است.

۱-۱-۳- بینایی - بویایی :

از ترکیب مصادیق مربوط به بینایی چون دیدن، زشت، نورانی و ... و ترکیب مربوط به حس بویایی همانند عطر، بو، شمیم و ... در جمله ساخته می شود .

در ابیات زیر شاعر با تشبیه و حس آمیزی از (خوی) که مربوط حس بینایی است با (بو) که مربوط به حس بویایی است، استفاده کرده تا (خوی دلبر) را چون گلاب خوش بو و روح پرور معرفی کند.

خوی به دامان از بناگوشش بگیر تا بگیرد جامهات بوی گلاب (همان: ۴۴)

(خوی بوی گلاب می دهد)

این بوی روح پرور از آن خوی دلبر است وین آب زندگانی از آن حوض کوثر است (همان: ۱۰۰)

(بوی خوی دلبر روح پرور است)

در ابیات زیر، شاعر با استفاده از آرایه حس آمیزی و تشبیه، زمین را مشکبوی و نامه را گلابدان می داند و عارض یار را چون بوی بهار می بیند.

این قاصد از کدام زمین است مشکبوی وین نامه در چه داشت که عنوان معطر است (همان: ۱۰۰)

مهر از سر نامه برگرفتم گفتی که سر گلاب دانست (همان: ۱۲۴)

گلا وتازه بهارا، تویی که عارض تو طراوت گل و بوی بهار من دارد (همان: ۲۵۳)

برای این که چهره یار را معطر چون بوی بهار معرفی کند، دو حس بینایی و بویایی را در کنار هم به کار برد.

۱-۱-۴- چشایی - لامسه :

از این نوع ترکیب که از مصادیق حس چشایی و لامسه ساخته می شود، در اشعار سعدی به شرح زیر است:

لعبت شیرین اگر ترش نشیند مدعیانش طمع کنند به حلو (همان: ۵)

قضا به تلخی و شیرینی ای پسر رفتست تو گر ترش بنشین، قضا چه غم دارد؟ (همان: ۲۵)

(ترش بنشیند) یک حس آمیز است. (ترش) مربوط به حس چشایی و (نشستن) حس لامسه در کنار هم قرار گرفته اند.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

دردت بکشم که درد داروست خارت بخورم که خار خرماست (همان: ۶۹)
در خوردن خار غم معشوق شاعر با دو حس چشایی و لامسه، غم عشق یار را به خار مانند می‌کند که چون خرما شیرین و لذت بخش است. البته برای بیان این درد شیرین از پارادکس نیز استفاده کرده است.
باران اشکم می‌رود وز ابر آتش می‌جهد با پختگان گوی این سخن، سوزش نباشد خام را (همان: ۲۶)
(سوزش نباشد خام را) سوزش و خام مربوط به حس لامسه و چشایی است که شاعر از این دو حس برای بیان درد عشقش استفاده کرده تا بگوید که غافلان عشق از درد او که عاشقی بی‌تاب است، خبر ندارند.

۱-۱-۵- لامسه - بینایی:

از عناصر مربوط به حس لامسه چون سرد، گرم و ... و افعال مربوط به حس بینایی ساخته می‌شود. آرایه حسی به حسی، غیر ترکیبی که از حواس لامسه و بینایی باشد، مصداق کمی در غزلیات داشت.
کس ندانم که در این شهر گرفتار تو نیست هیچ بازار چنین گرم که بازار تو نیست (همان: ۱۸۸)
در ترکیب (بازار گرم)، بازار مربوط به حس بینایی و گرم مربوط به حس لامسه است که حس آمیزی از نوع کنایه را به وجود آورده است.

دوستانت را که داغ مهربانی دل بسوخت گر به دوزخ بگذرانی، آتشی بینند سرد (همان: ۲۳۹)
(آتشی بینند سرد)، حس آمیزی غیر ترکیبی است. حس کردن گرمای آتش با حس لامسه است؛ اما شاعر آن را با حس بینایی می‌بیند. سردی آتش دوزخ را به جای آنکه حس کند، می‌بیند.

۱-۱-۶- لامسه - شنوایی:

از ترکیب حس لامسه و شنوایی چون آواز، صدا، حرف و... ایجاد می‌شود. از این ترکیب فقط یک مصداق دیده شد.
فراقنامه سعدی به هیچ گوش نیامد که دردی از سخنانش درو نکرده سرایت (همان: ۲۲۶)
ترکیب (درد سخنان)، از ترکیب حس لامسه (درد) و حس شنوایی (سخن) ساخته شد.

۲- نمونه‌های ترکیبی:

نوع دیگر از حس آمیزی حسی - حسی، از مقوله ترکیبی است که خود به دو دسته ترکیب وصفی و اضافی تقسیم می‌شوند.

۱-۲- ترکیب وصفی:

در حس آمیزی از نوع ترکیب وصفی، متعلقات حواس پنج‌گانه با هم به صورت یک ترکیب وصفی ظاهر می‌شوند. این نوع ترکیب در شعر سعدی به ترتیب فراوانی ترکیب دو حس به شکل زیر می‌باشد:

۲-۱-۱- بینایی - چشایی:

در غزلهایی که جستجو شده است، این نوع ترکیب بالاترین بسامد را نسبت به دیگر حواس داشته است. سعدی از ترکیب حس بینایی و چشایی بیشترین بهره را برده است. در اشعار وی ترکیب حس بینایی با (شیرین) که مربوط به حس چشایی است (۹ دفعه) به کار رفته است. از این میان، ترکیب (لب شیرین) در اشعار سعدی بیشترین بسامد را دارد. در ۶ موردی که از ترکیب (لب شیرین) استفاده شده است، ۳ مورد آن تلمیح به داستان عاشقانه خسرو و شیرین دارد.

لب شیرینت از شیرین بدیدی در سخن گفتن برو شکرانه بودی گر بدادی ملک پرویزت (همان: ۵۹)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

سایر نمونه‌ها را در صفحات (۲۳-۵۸-۲۷۴-۲۷۹-۲۸۳) می‌توان دید.

در بیت زیر (لعبت) مربوط به حس بینایی با (شیرین) از مقوله حس چشایی با هم ترکیبی در وصف زیبایی پیکر معشوق آمده است.

لعبت شیرین اگر ترش ننشیند مدعیانش طمع کنند به حلوا (همان: ۵)

در موارد زیر نیز شاعر (تبسم و وجود یار را که با حس بینایی دیده می‌شود، با (شیرینی) که از مقوله حس چشایی است، درک می‌کند.

زنهار از آن تبسم شیرین که می‌کنی کز خنده‌ی شکوفه‌ی سیراب خوشتر است (همان: ۱۰۵)

هم چنین در صفحات (۲۴۲-۲۵۹) نیز این حس آمیزی دیده می‌شود.

در بیت زیر، شاعر لب یار را که با حس بینایی دیده می‌شود، مانند نمکی می‌داند که بر دل کباب شده‌اش ریخته می‌شود.

بدین صورت (لب نمکین) یار با دو حس بینایی و چشایی به تصویر کشیده شد.

ای روی تو از بهشت بیایی دل بر نمک لبت کبابی (همان: ۸۰)

در بیت زیر نیز شاعر با ترکیب (دهن شکر نشان) دهان یار را به شکرپاش تشبیه کرده است.

شیرین تر از این سخن نباشد الا دهن شکر نشانت (همان: ۲۲۴)

(ترش رو) و (تلخ سخن) دو ترکیبی است که از هم نشینی حس بینایی و چشایی در بیان نامرادی‌های معشوق ساخته شده است. اگر

چه برای عاشق هم چنان دل‌انگیز است.

گو تو ترش رو باش و تلخ سخن زهر شیرین لبان شکر باشد (همان: ۲۸۳)

(گل سیراب) در بیت زیر ترکیبی است، که شاعر از آن برای به تصویر کشیدن چهره معشوق که مانند گل شاداب و تر و تازه است،

به کار برده است.

تو را حکایت ما مختصر به گوش آید که حال، تشنه نمی‌دانی، ای گل سیراب (همان: ۴۱)

۲-۱-۲- شنوایی - چشایی:

در این مدل از حس آمیزی، واژه‌هایی که در قلمرو حس شنوایی است با واژه‌های مربوط به حس چشایی همراه می‌شود. در این

نمونه (جواب یا سخن) که مربوط به حس شنوایی است با تلخ که مربوط به حس چشایی است، ترکیب شده و تصویری از بی توجهی

یار را نمایش می‌دهد.

مناسب لب لعلت حدیث بایستی جواب تلخ بدیع ست از آن دهان، ای دوست (همان: ۱۵۹)

گر تو خواهی که یکی را سخن تلخ بگویی سخن تلخ نباشد چو برآید بدهانت (همان: ۲۲۱)

برای سایر نمونه‌ها به صفحات (۱۳۲-۱۹۸-۲۵۱-۲۸۳-) مراجعه شود.

در ابیاتی که در ادامه می‌آید، شاعر برای نشان دادن بیان زیبا و دل‌چسب معشوق، واژه (زبان و سخن و حدیث) که از متعلقات حس

شنوایی است با (شیرین) که از متعلقات حس چشایی است، ترکیب کرده است.

آفرین بر زبان شیرینت کاین همه شور در جهان انداخت (همان: ۴۹)

رحمت نکند بر دل بیچاره فرهاد آنکس که سخن گفتن شیرین نشنیدست (همان: ۹۵)

من دگر شعر نخواهم که نویسم که مگس زحمت می‌دهد از بس که سخن شیرین است (همان: ۱۳۴)

معلوم شد این حدیث شیرین کز منطق آن شکر فشان است (همان: ۱۲۵)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۲-۱-۳- بینایی - بویایی:

در این نوع ترکیب تصاویر ارائه شده در وصف موی و خال یار می‌باشد. یک طرف ترکیب واژه (موی، طره، گیسو، زلف و خال) که مربوط به حس بینایی و سمت دیگر واژه‌های (عنبر و مشک) که نماد خوش‌بویی و مربوط به حس بویایی می‌باشد، آمده است.

این باد روح‌پرور از انفاس صیح‌دم
گیسوت عنبرینه گردن تمام بود
عجب در آن سر زلف معنبر مفتول
خال مشکین تو از بنده چرا در خط شد
گوی مگر از طره عنبرفشان توست (همان: ۸۸)
معشوق خوب‌روی چه محتاج زیور است (همان: ۹۹)
که در کنار تو خسبد، چرا پریشان است (همان: ۱۲۷)
مگر از دود دلم روی تو سودا بگرفت (همان: ۲۰۷)

۲-۱-۴- بینایی - شنوایی:

در بررسی اشعار، حس‌آمیزی که از ترکیب عناصر مربوط به حواس بینایی و شنوایی ساخته می‌شود، دیده شد. البته این ترکیبها علاوه بر حس‌آمیزی، استعاره نیز می‌باشند. و شاعر با این شگرد و آمیختن این آرایه‌ها، زیبایی شعر را دوچندان کرده است.

در گلستانی کان گل‌بن خندان بنشست
کیست آن لعبت خندان که پری‌وار برفت
سرو آزاد بیک پای غرامت برخاست (همان: ۷۷)
که قرار از دل دیوانه به یک‌بار برفت (همان: ۲۰۴)

۲-۱-۵- شنوایی - لامسه:

از این نوع ترکیب حسی که به صورتهای زیر به کار رفته است، شواهد زیادی در غزلیات سعدی یافت نشد. در این ترکیب‌ها شاعر (غزل و گفتار) که مربوط به حس شنوایی است را با (سوز) از حس لامسه در هم‌آمیخت و ترکیب‌های (غزل سوزناک) و (گفتار سوزناک) ساخته است.

ز خاطر غزلی سوزناک روی نمود
ز سوزناکی گفتار من قلم بگریست
که در دماغ فراغ من این قدر می‌گشت (همان: ۱۹۸)
که در نی آتش سوزنده زودتر گیرد (همان: ۲۶۹)

۲-۲- ترکیب اضافی:

در این نوع حس‌آمیزی، یک سوی ترکیب مضاف، و سوی دیگر، مضاف‌الیه است و هر کدام از این طرفین ترکیب از متعلقات حسی، متفاوت هستند. به عبارتی: مضاف ویژگی‌های یک حس و مضاف‌الیه، ویژگی حس دیگری را می‌گیرد.

۲-۲-۱- چشایی - شنوایی:

از امتزاج مصادیق مربوط به حس چشایی و حس شنوایی به وجود می‌آیند و مصداق این نوع حس‌آمیزی در غزلیات سعدی به شرح زیر می‌باشد.

همچون درخت بادیه سعدی ببرق شوق
این خط شریف از آن بنانست
سرو زیبا و به زیبایی بالای تونه
سوزان و میوه سخنش هم‌چنان تر است (همان: ۱۰۱)
وین نُقل حدیث از آن دهان است (همان: ۱۲۴)
شهد شیرین و به شیرینی گفتار تو نیست (همان: ۱۸۸)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

در تمام موارد ذکر شده، سعدی، سخن که از حس شنوایی است را با میوه و شهد که مربوط به حس چشایی است، ترکیب کرده و از صور خیال تشبیه نیز در ارائه زیبایی و شیرینی سخنی یار بهره برده است.

۲-۲-۲- بینایی - بویایی:

این حس نیز از ترکیب لغاتی که در قلمرو حس بینایی و حس بویایی است، به وجود می آید.

باد بهشت می‌گذرد یا نسیم صبح یا نکھت دهان تو یا بوی لادن است (همان: ۱۲۲) در این بیت شاعر نکھت را که با حس بویایی حس می‌شود با دهان که مربوط به حس بینایی است، ترکیب کرده است و در ادامه نکھت دهان یار را به بوی لادن مانند می‌کند.

به بوی زلف تو با باد عیش‌ها دارم گر چه عیب کننم که باد پیمایست (همان: ۱۷۱) ترکیب (بوی زلف) از اجتماع (بو) مربوط به حس بویایی و (زلف) که با حس بینایی قابل مشاهده است، ساخته شده است. البته در این ترکیب، آرایه مجاز نیز دیده می‌شود و (بو) در معنای مجازی (آرزو) نیز به کار رفته است.

باد بوی گل رویش به گلستان آورد آب گلزار بشد، رونق عطار برفت (همان: ۲۰) در این بیت، شاعر روی معشوق را به گل تشبیه کرده است. که باد بوی آن را در گلستان پراکنده است. سعدی برای ارائه این تشبیه دل‌انگیز، از ترکیب دو واژه (بوی) از متعلقات حس بویایی و (گل) از متعلقات حس بینایی استفاده کرده است.

۲-۲-۳- چشایی - بینایی:

در این نوع، هم مصادیق مربوط به حس بینایی و هم حس چشایی دیده می‌شود. این نوع از حس آمیزی نیز در غزلیات متعدد نیست. در بیت زیر (لب و دندان) که مربوط به حس بینایی با (شیرین) از مصادیق حس چشایی در توصیف لب و دندان یار آمده است.

آفرین خدای بر جانست که چه شیرین لبست و دندانست (همان: ۲۱۴)

۲-۲-۴- چشایی - لامسه:

از این نوع حس آمیزی نیز تنها یک مورد یافت شد. (دردِ درد) که از ترکیب مضامین مربوط به حس چشایی و لامسه ساخته می‌شود. شاعر درد را به درد که مجاز از می ناپالوده است، تشبیه کرده است.

هر کو شراب عشق نخوردست و دردِ درد آن است کز حیات جهانش نصیب نیست (همان: ۱۷۳)

۲-۲-۵- بینایی - لامسه:

(باغ لطافت) تنها ترکیب از این دست است که در شعر سعدی دیده شد. وی لطافت روی یار را به باغی تشبیه کرده است که قابل مشاهده است.

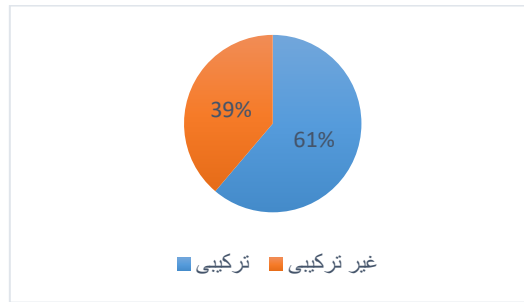
تا گل روی تو در باغ لطافت بشکفت پرده صبر من از دامن گل چاک تر است (همان: ۱۰۹)

تحلیل آماری:

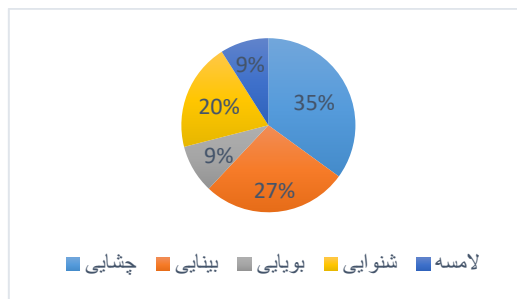
چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

در مجموع چنانچه مشاهده شد پس از بررسی حس آمیزی در دویست غزل سعدی ۶۷ مورد (۳۳/۵٪) از نوع حسی-حسی استخراج شد که ۲۶ مورد (۳۸/۸٪) غیر ترکیبی و ۴۱ مورد (۶۱/۲٪) ترکیبی است. در نهایت می‌توان شاهد این بود که حس آمیزی از نوع ترکیبی در اشعار سعدی بیشتر به کار رفته است.



نمودار بسامد حواس ترکیبی و غیر ترکیبی



نمودار بسامد حواس در حس آمیزی حسی-حسی

نتیجه گیری:

حس آمیزی یک از عناصر و آرایه‌های مهم و کارا در تصویرآفرینی غزلیات سعدی است. وی برای آفرینش تصاویر زیبا و دل نشین از حواس به صورت حسی و انتزاعی بهره برد. نگارنده با بررسی ۱۱۸ نوع ترکیب حس آمیزی در دویست غزل به ۶۷ مورد (۳۳.۵٪) حس آمیزی حسی - حسی دست یافت و به این نکات رسید که: در حس آمیزی حسی - حسی او از نوع غیر ترکیبی ۲۶ مورد (۳۸.۸٪) بیشتر از نوع ترکیبی ۴۱ مورد (۶۱.۲٪) آن بهره برده است. نکته دیگر این که در حس آمیزی ترکیبی، از نوع وصفی آن ۳۲ مورد (۷۸٪) بیشتر از مدل اضافی اش ۹ مورد (۲۲٪) استفاده کرده است.

سعدی در ساخت این صورت خیال از تمام پنج حس استفاده کرده است که از نظر فراوانی به ترتیب چشایی (۳۵٪)، بینایی (۲۷٪)، شنوایی (۲۰٪)، بوایی (۹٪) و لامسه (۹٪) می‌باشد؛ بدین ترتیب از میان تصاویر ارائه شده، مفاهیمی که با حس

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

چشایی ترکیب شده بیشترین بسامد را دارد و کمترین بسامد مربوط به حس بویایی و لامسه است. بر اساس این بررسی حس چشایی بیش از سایر حواس در ساخت حس آمیزی ها موثر است. در نهایت چنانچه مشاهده شد، سعدی از حس آمیزی به هر دو صورت ترکیبی و غیر ترکیبی در اشعار خود بهره برده است. استفاده‌ی فراوان او در ساخت اشعار از این گونه حواس، می‌تواند کلید شناخت زبان سهل و ممتنع این شاعر بلند آوازه باشد. این خصوصیت به دلیل آن است که استعاره‌های آن برگرفته از پنج حس شناخته شده‌ی بشری است. یکی از دلایلی که اشعار سعدی به خوبی درک می‌شود نیز همین کاربرد پنجگانه حواس و بهره‌مندی فراوان از حس آمیزی است. هنرنمایی شاعر شیرین سخن شیراز در به کار بردن این حواس یکی دیگر از ویژگی های شعر او محسوب می‌شود و از این طریق به انتقال مفاهیم و معانی و پیامهای عاشقانه ی خود به خواننده پرداخته است. همین شگرد غزلهای عاشقانه او را منحصر به فرد نموده است.

منابع :

۱. اقبال، عباس، به نقل از بزرگان ادب - سعدی با کوشش دکتر رضا مصطفوی، ج ۳، معرفت، تهران، ۱۳۵۸
۲. الهامی، شراره، بررسی حس آمیزی در غزلیات بیدل دهلوی، فصل نامه ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی، شماره ۱۲، پاییز ۱۳۸۷، صفحات ۳۱-۴۸
۳. بهمنی، حجت الله، جایگاه و نقش حس آمیزی در شعر شفیعی کدکنی، فصل نامه علوم ادبی، شماره ۱۲، ۱۳۹۶، صص ۹۱-۶۷
۴. بهنام، مینا، حس آمیزی، سرشت و ماهیت، مجله پژوهش زبان فارسی، شماره ۱۹، زمستان ۱۳۸۹، صفحات ۶۷-۹۲
۵. بیدل دهلوی، دیوان، به کوشش خلیل الله خلیلی، ج ۱، سیمای دانش، تهران، ۱۳۸۴
۶. پورنامداریان، تقی، سفر در مه، نگاه، تهران، ۱۳۸۱
۷. ترکشوند، پرویز، عیار صفت سهل ممتنع در شعر سعدی و متنبی (از ساختارگرایی تا هرمنوتیک فلسفی)، فصل نامه پژوهش های ادب تطبیقی، شماره سه، پاییز ۱۳۹۷، صفحات ۴۵-۶۳
۸. جبری، سوسن، تصویرگری بی صورت خیال در شعر سعدی، مجله بوستان ادب، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۱، صفحات ۲۳-۴۸
۹. حافظ شیرازی، خواجه شمس الدین محمد، دیوان حافظ، گلبرگ، تهران، ۱۳۷۲
۱۰. حسنی، کاووس، گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران، ثالث، تهران، ۱۳۸۳
۱۱. خاقانی شروانی، افضل الدین علی، دیوان، به کوشش ضیاء الدین سجادی، زوار، تهران، ۱۳۷۴
۱۲. داد، سیما، فرهنگ اصطلاحات ادبی، ج ۴، انتشارات مروارید، تهران، ۱۳۸۰
۱۳. سعدی، مصلح الدین، دیوان غزلیات، به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر، مهتاب، تهران، ۱۳۷۷
۱۴. سمیعی، احمد، سعدی در غزل، نشر دانش، شماره ۵، مرداد و شهریور ۱۳۶۸، صفحات ۳۹۸-۴۰۹
۱۵. شفیعی کدکنی، صور خیال در شعر فارسی، آگه، تهران، ۱۳۹۵

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

۱۶. شمیسا، سیروس، بیان، فردوسی، تهران، ۱۳۷۰
۱۷. صادقیان، محمد علی، زیور سخن در بدیع فارسی، چ ۲، دانشگاه یزد، یزد، ۱۳۸۷
۱۸. فتوحی، محمود، بلاغت تصویر، سخن، تهران، ۱۳۸۹
۱۹. فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، جلد ۱، ققنوس، تهران، ۱۳۷۸
۲۰. فشارکی، محمد، نقد بدیع، سمت، تهران، ۱۳۷۹
۲۱. کریمی، پرستو، حواس پنجگانه و حس آمیزی در شعر، نشریه علمی - پژوهشی گوهر گویا، شماره ۸، زمستان ۱۳۸۷،
صفحات ۱۳۱-۱۵۰
۲۲. مردانی، نصر الله، عشق می گوید، انجمن قلم ایران، تهران، ۱۳۸۸
۲۳. یاسمی، محمدتقی و معتمدی، غلام حسین؛ وحدت حواس و آفرینش شعر ۲، ماهنامه ی دنیای سخن، شماره ۲۸، مرداد
و شهریور ۱۳۶۷
24. J.A Simpson E.S.Cweiner(1989) The Oxford English Dictionary. Second Edition. Prepared by: vol vii.
clarepress. Oxford.1989 p 467.